

مهندسی مجدد ساخت و محتوای برنامه درس «مکاتب فلسفی و آراء تربیتی» دوره
کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

Re-engineering the Structure and Content of the “Philosophical
Schools and Educational Opinions” as a Course of Study

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۱۴، تاریخ ارزیابی: ۱۴۰۱/۱۲/۲۸، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۳/۳۱

 [20.1001.1.25382241.1402.14.27.13.5](https://doi.org/10.1001.1.25382241.1402.14.27.13.5)

Dr. Abbas Mohammadi

عباس محمدی^۱

Abstract: The present study sought to re-engineer the structure and content of the “Philosophical Schools and Educational Opinions” course syllabus of the master's degree in the major of History and Philosophy of Education. This was done with the purpose of investigating new content with an emphasis on the Islamization of humanities courses in the Iran universities. In this research a combined method with a sequential exploratory approach was employed. First, in the qualitative stage, using the method of document analysis, the current state of construction and the content of the curriculum of Philosophical Schools and Educational Opinions in leading domestic and foreign universities in the field of educational philosophy such as America, Australia and Canada were investigated. This was done with the aim of analyzing and discovering the nature of the educational field in the field of Philosophical Schools and Educational Opinions. Then, according to the descriptive-survey method and the viewpoints obtained from the statistical sample under study, two types of separate questionnaires were created by the researcher, and their reliability was estimated using the “Cronbach's alpha” formula as 0.953 and 0.896 percent, respectively. The research sample included 76 faculty members by census, and 290 students of domestic universities; state, Azad, and Payam Noor randomly clustered. New content for the mentioned course was determined. Finally, regardless of the cultural roots of the curriculum in question in the leading countries and its significant content and conceptual difference with Iranian universities, the findings of this study show that the current situation of “structure” and “content” in the studied curriculum do not meet the current conditional needs and are not in accordance with the Islamic needs of the students, and it is recommended to make changes in the structure and major concepts of the course “Philosophical Schools and Educational Opinions” according to the proposed model based on the present research.

Keywords: re-engineering, curriculum, curriculum construction, curriculum concepts, Philosophical Schools and Educational Opinions

چکیده: پژوهش حاضر به دنبال این است که با مهندسی مجدد ساخت و محتوای برنامه درس «مکاتب فلسفی و آراء تربیتی» دوره کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، محتوای جدیدی برای درس مذکور با تأکید بر اسلامی‌سازی دروس علوم انسانی در دانشگاه‌های کشور مورد بررسی قرار دهد. در این پژوهش از روش ترکیبی با رویکرد اکتشافی متوالی استفاده شد. ابتدا در مرحله کیفی به روش تحلیل اسنادی، نه با هدف مقایسه و تطبیق نظام‌های آموزشی، بلکه با هدف تحلیل و کشف ماهیت حوزه آموزشی در زمینه مکتب‌های فلسفی و آراء تربیتی، وضعیت موجود ساخت و محتوای برنامه درسی مکاتب فلسفی و آراء تربیتی در دانشگاه‌های داخلی و خارجی پیشرو در عرصه فلسفه تعلیم و تربیت نظیر؛ امریکا، استرالیا و کانادا بررسی گردید. سپس به روش توصیفی-پیمایشی و با توجه به نقطه نظرات حاصل از نمونه آماری مورد مطالعه شامل: انتخاب ۷۶ نفر از اعضای هیأت علمی بصورت تمام شماری و ۲۹۰ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های داخلی؛ دولتی، آزاد و پیام نور بصورت تصادفی خوشه‌ای، از طریق دو نوع پرسشنامه مجزا محقق ساخته که پایایی آنها با استفاده از فرمول «آلفای کرونباخ» به ترتیب به میزان ۰/۹۵۳ و ۰/۸۹۶ درصد برآورد شده بود، محتوای جدیدی برای درس مذکور مشخص گردید. در نهایت، صرف نظر از ریشه‌های فرهنگی برنامه درسی مدنظر در کشورهای پیشرو و فاصله معنادار محتوایی و مفهومی آن با دانشگاه‌های ایران، یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که وضعیت موجود «ساخت» و «محتوا» در برنامه درسی مورد مطالعه پاسخگوی شرایط و نیازهای کنونی و متناسب با اسلامی‌بودن نیازهای دانشجویان نیست و ایجاد تغییراتی در ساخت و مفاهیم عمده درس «مکاتب فلسفی و آراء تربیتی» مطابق با الگوی پیشنهادی حاصل از این پژوهش ضروری است.

کلمات کلیدی: مهندسی مجدد، برنامه درسی، ساخت برنامه درسی، مفاهیم برنامه درسی، مکاتب فلسفی و آراء تربیتی.

^۱ . استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. A_mohammadi@pnu.ac.ir

مقدمه

در آستانه قرن ۲۱ تحولات جهانی از جمله؛ انفجار اطلاعات، توسعه ارتباطات، انقلاب الکترونیک، رشد تکنولوژی و افزایش فزاینده دانش، روز به روز ضرورت تغییر و تحول در نظام آموزش عالی و تغییر جایگاه و موقعیت آن را بیشتر می‌کند، به طوری که پارادایم‌ها و الگوهای نوینی از دانشگاه‌ها در هزاره سوم مطرح شده است (Azizi, 2006, 51). به اعتقاد کافمن^۱، ایجاد تغییرات بنیادی در جامعه ایجاب می‌کند که به «مهندسی مجدد» در همه ابعاد و عناصر نظام‌های آموزشی پرداخته شود (Bazar an et al, 2014, 31).

یکی از مهم‌ترین عناصر قابل تغییر در نظام آموزش عالی برنامه‌های درسی است (Lunenbunrg. and Ornstein, 2004). برنامه‌های درسی آموزش عالی، از جمله عوامل و عناصری هستند که در تحقق بخشیدن به اهداف آموزش عالی نقش بسزایی دارند و بایستی از مناسبت لازم در راستای اهداف و وظایف و تحولات مربوط برخوردار بوده تا بتوانند نقش مؤثر خود را ایفا نمایند (Attach, 1998).

بازنگری در ساخت و محتوای برنامه‌های درسی رشته‌های تحصیلی و روزآمد کردن آنها همواره دستخوش تغییرات و اصلاحات مداوم است (Bridges, 2000). زیرا، کهنگی برنامه‌های درسی و عدم نوسازی و بهسازی آن‌ها به تدریج اثربخشی دوره‌ها و رشته‌های دانشگاهی را در حاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد و پدیده‌هایی تحت عنوان برنامه درسی «بیفایده یا دور ریختنی» را مطرح می‌سازد (Faith Vajargah, 2010). از این رو، تعیین ساختار بهینه نظام برنامه‌ریزی درسی و انتخاب و سازماندهی محتوا، از جمله دل‌مشغولی‌های سیاستگذاران نظام‌های آموزشی بوده است (Ghorbanifar, Nile and Debary, 2014).

به‌طور کلی، آنچه بایستی مدنظر برنامه‌ریزان درسی قرار گیرد، توجه به رسالت‌های اساسی آموزش عالی، شرایط، تحولات و در نتیجه این نیازها است. این امر مستلزم مطالعه، بررسی و به دنبال آن بازاندیشی^۲، بازسازی^۳ و بازآفرینی^۴ برنامه‌هاست. چنین تغییری به نظام آموزش عالی کمک می‌کند تا نیازهای جامعه را برآورده ساخته و تغییرات برنامه درسی در خدمت اصلاح برنامه‌ریزی دانشگاهی و موجب اثربخشی آنها شود (Stark, 1997).

عدم توجه و بازبینی دقیق و مداوم نسبت به برنامه‌های درسی می‌تواند یکی از دلایل عمده نارسایی در آموزش عالی محسوب شود. در واقع برای حل مسئله و تطبیق با شرایط، باید متولیان

-
1. Kaufman
 2. Reengineering
 3. Scarp Curriculum
 4. Rethinking
 5. Restructuring
 6. Revitalizing

امر به قلب محتوا و مفاهیم عمده برنامه درسی، آنجایی که ایجاد دانش و توسعه بینش، عملاً انجام می‌شود، توجه نمایند (Faith, Vajargah et al, 2014).

پژوهش‌هایی که ارتباط بیشتری در مورد بازنگری و بازاندیشی برنامه‌های درسی نظام آموزش عالی انجام شده نشان می‌دهد؛ که در همه این پژوهش‌ها از ناکارآمدی برنامه درسی موجود سخن گفته شده و البته راهکارهایی برای اصلاح آن نیز پیشنهاد گردیده است.

صاحب‌نظران در نتایج همه این پژوهش‌ها اظهار داشته‌اند، که اکنون اصلاح و تغییر همه عناصر برنامه درسی آموزش عالی با هدف ایجاد جامعه یادگیری یک ضرورت است (Van der zee, 2006; Knapped, Ch. And Croly, A., 2000).

بطور مثال: تحقیقات Cooper (2005) نشان می‌دهد؛ برنامه درسی موجود ناتوان از مجهز نمودن دانشجویان به مهارت‌های مورد نیاز جهت زندگی و کار در دنیای آینده است. همچنین به زعم Barnett, Parry & Coati (2001) در عصر حاضر شاهد یک تغییر پارادایم در برنامه درسی از برنامه درسی سنتی به برنامه درسی در حال ظهور هستیم. بر این اساس تغییر در برنامه درسی دانشگاهی بیش از پیش ضروری می‌نماید.

در تحقیقی مشابه Lunenburg (1995) با مطالعه موردی الگویی برای برنامه‌ریزی درسی مؤثر و تجدید نظر در برنامه‌های درسی با بیان جهت‌گیری‌های کلی صنعت و تجارت، نیاز روزافزون به بازسازی برنامه‌های درسی و اصلاح روش‌های تدریس در آموزش عالی را مورد تأکید قرار داده است.

همچنین، یافته‌های پژوهش Karamu & Fattah (2013) نشان می‌دهد که از دیدگاه اساتید و دانشجویان مؤلفه اهداف دروس از وضعیت مطلوبی برخوردار نبوده و خواستار تغییر در این مؤلفه و همچنین، تغییر در محتوای برنامه درسی، سرفصل دروس و عنصر ارزشیابی بودند. نتایج تحقیق Zarghami & Bazghandi (2010) نیز نشان دهنده رضایت نسبی دانشجویان از برخی مؤلفه‌ها به ویژه منش و دانش اساتید، و نارضایتی نسبی از برخی دیگر از مؤلفه‌ها چون ناآگاهی درباره چستی رشته، کم‌اهمیتی آن، بازارکار نامناسب، نبود پیوند و انسجام میان واحدها و موضوع‌های درسی، ناکارآمدی و خلاء برخی واحدها و موضوع‌های درسی و روش‌های ارزشیابی برخی اساتید است. در پایان بر لزوم بازنگری درباره اهمیت، جایگاه و واحدهای درسی رشته فلسفه تعلیم و تربیت تأکید و به برخی تلویح‌های کاربردی اشاره شده است.

یافته‌های پژوهش Karimi, Nasr & Sharif (2013) حاکی از آن است که آموزش عالی با چالش‌هایی از جمله؛ عدم شناسایی نیازهای واقعی دانشجو و جامعه و بازنگری برنامه درسی متناسب با تحول در این نیازها، پیش‌بینی نکردن امکان انعطاف در برنامه درسی، عدم پذیرش تغییر در فلسفه و مفاهیم زیربنایی آموزش در آموزش عالی، استفاده نکردن از برنامه درسی

دانشگاه‌های معتبر جهان متناسب با شرایط و نیازهای کشور، تمایل به تمرکزگرایی در تدوین برنامه‌های درسی و عدم وجود ارتباط درونی میان برنامه درسی آموزش عالی و مقاطع قبل از آن روبروست.

هرچند، جوامع پیشرفته در این زمینه تجربیات متعددی داشته و دست‌اندرکاران آموزش عالی آنها با انجام بررسی‌های عمیق و بنیادین، درصد بازنگری در اجزای نظام آموزش عالی خود، از جمله برنامه‌های درسی بوده‌اند. به‌طور مثال؛ کشور چین در طرح بازنگری برنامه‌های درسی آموزش عالی در قرن ۲۱، تغییراتی از جمله کاهش تعداد واحدهای درسی در جهت گسترش مهارت‌آموزی دانشجویان و افزایش توان سازش بیشتر با تغییرات بازار کار و پیشرفت علم و تکنولوژی را پیش‌بینی نموده است (Wang, 1994). همچنین، بازنگری و ایجاد اصلاحات در برنامه درسی ملی کشوره کره جنوبی نیز بازتابی از نیازهای جامعه در معرض تغییر، الزامات و روند جهانی‌شدن است، به‌گونه‌ای که جهت‌گیری‌هایی همچون؛ رشد قابلیت‌های تفکر و بیان، بررسی حقایق و پدیده‌ها، تجزیه و تحلیل ارزش‌ها به منظور رسیدن به قضاوت صحیح‌تر و آگاهانه‌تر را در برنامه‌های درسی مدنظر قرار داده است (Lee, 2004). اما، بررسی وضعیت فعلی شیوه‌های سازماندهی مواد و محتوای درسی رشته‌های علوم انسانی در نظام آموزش عالی ایران، نشان‌دهنده این واقعیت است که به رغم نقش، اهمیت و کاربرد رشته‌های مختلف علمی در قلمرو وسیع علوم انسانی، نحوه سازماندهی و شیوه‌های مختلف عرضه‌ی مواد و محتوای درسی، از موقعیت و جایگاه علمی مناسبی برخوردار نیست و روش‌های رایج در سازماندهی مواد درسی مربوطه، کارآیی رشته‌های علوم انسانی را در مقایسه با سایر رشته‌های علمی با تردید و انتقاد مواجه نموده است. این مساله به‌طور مستقیم به سازمان برنامه‌ی درسی، شیوه‌های سازماندهی مواد درسی و روش‌های عرضه مطالب درسی، مربوط است. نتیجه‌ی کاربرد این شیوه سازماندهی (برنامه‌ریزی درسی) ارائه حجم گسترده‌ای از دانش، معلومات و مهارت‌های علمی به یادگیرندگان و عامل مؤثری در کاهش میزان یادگیری و انگیزه فراگیران در خصوص مطالعه محتوای برنامه درسی است، که در مجموع موجب کاهش میزان کارآیی برنامه‌های درسی این دسته از رشته‌ها و گرایش‌های تحصیلی به ویژه در سطح تحصیلات تکمیلی شده است (Hashemi Moghadam, 2006, 77).

براساس مفاد ماده ۱۸ (بند - الف) از فصل دوم برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه کشور علم و فناوری، مقرر شده بود طی سال‌های اجرایی این برنامه (از ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۴) نسبت به بازنگری متون، محتوا و برنامه‌های آموزشی و درسی مبتنی بر آموزه و ارزش‌های دینی و هویت ایرانی-اسلامی و انقلابی و تقویت دوره‌های تحصیلات تکمیلی، تدوین و ارتقاء شاخص‌های کیفی و تعامل و فعال دستگاه‌های متولی و آموزش کشور با حوزه‌های علمیه به منظور تدوین رشته‌های

جدید و میان‌رشته‌ای در حوزه علوم انسانی به‌ویژه در رشته‌های علوم قرآنی و عترت اقدامات اساسی مورد نیاز صورت گیرد (Parliament (Majlis) Research Center, 2010). همچنین در این راستا، فصل ششم (نظام آموزشی) به‌عنوان یکی از مهم‌ترین زیرنظام‌های سند اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها برای تأمین این هدف ایجاد شده است و به‌طور مشخص در راهِبرد (۱)؛ موضوع "برنامه‌ریزی، تنظیم و بازنگری سرفصل‌ها و تدوین متون و برنامه‌ریزی آموزشی در تمامی شاخه‌های علوم براساس آموزه‌های اسلامی" را مدنظر قرار داده و براساس اقدام (۱-۲)؛ "اصلاح و بازنگری متون آموزشی با رویکرد تحول و ارتقاء رشته‌های گوناگون با اولویت علوم انسانی" را به‌عنوان یکی از برنامه‌های راهبردی این سند تعیین کرده است (Supreme Council for Cultural Revolution, 2013).

با این وجود، به دلیل عدم بازنگری در محتوای برنامه درسی و سرفصل‌های مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی طی سال‌های گذشته و با توجه به تحولات چشمگیر این دوره زمانی در چنین شرایطی است که «مهندسی مجدد» و اصلاح مفاهیم عمده (در سرفصل‌ها) برای اکثر دروس دانشگاهی با تأکید بر اسلامی‌سازی آن‌ها و متناسب با نیازها و فرهنگ جامعه در کشور ما امریست ضروری و به‌عنوان راهکاری کارآمد برای برون‌رفت از وضعیت اشاره شده، توصیه می‌شود. رویکرد مهندسی مجدد؛ به دنبال آن نیست که شیوه‌های برنامه‌ریزی درسی کنونی را بهبود بخشد، بلکه به دنبال ترک‌کردن روش‌های کهنه و دستیابی به روشی نوین برای انتقال دانش، تقویت بینش و ایجاد مهارت‌های فنی، اداری و ارتباطی یادگیرندگان است.

در این بین، یکی از رشته‌های تحصیلی بسیار مهم در نظام آموزش عالی، رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش می‌باشد که به‌عنوان یک دانش میان‌رشته‌ای با دو قلمرو فلسفه و آموزش و پرورش در ارتباط است. دلیل اهمیت آن در استحکام پایه‌های فلسفی به‌طور اعم و در اختیار قراردادن آن به مدرسه جهت استفاده معلمان به‌طور اخص می‌باشد (Shebang Virani & Cahokia, 2008). درعین حال هنوز برنامه درسی این رشته بسیار کلی و تا حدی خاصیت دایره‌المعارفی دارد (Shabanivarki & Bag Golgi, 2018). از این رو، با نظر به جهت‌گیری‌های جدید این رشته در عصر حاضر و متناسب با مفاد موجود در سند اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها لازم است محتوای این برنامه مورد تجدیدنظر قرار گیرد.

در بین مواد درسی رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، درس «مکاتب فلسفی و آراء تربیتی» با هدف "شناخت نظریات تربیتی فیلسوفان مکاتب مختلف و تجزیه و تحلیل و انتقاد از نظریات فلسفی و آراء نظریه خود" به‌عنوان یکی از دروس اصلی، دارای نقش بسیار حساس و تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری ساختار ذهنی و تثبیت نگرش دانشجویان پیرامون مسائل تربیتی است. پیرو عارضه پیش‌گفته محتوای این درس نیز، پس از تصویب سرفصل‌های آنان در شورای عالی برنامه‌ریزی در سال (۱۳۶۸) تاکنون دستخوش هیچگونه تغییر و بازنگری قرار نگرفته است.

از این رو با عنایت به اینکه مدت حدود ۳۰ سال، از آخرین تدوین برنامه درسی و تعیین سرفصل‌های آموزشی درس «مکاتب فلسفی و آرای تربیتی» در نظام آموزش عالی کشور ما می‌گذرد، و با توجه به تغییرات وسیعی که به صورت پیش گفته، در حوزه علوم انسانی و خصوصاً سازمان‌های آموزشی رخ داده است، تحقیق حاضر، درصدد آنست که ضمن ارزیابی وضعیت فعلی محتوا و مفاهیم عمده سرفصل‌های درس «مکاتب فلسفی و آراء تربیتی» و تعیین میزان همگنی و همگونی سرفصل‌ها و موضوعات این ماده درسی با موازین اسلامی و نیازهای جامعه؛ تلاش گردیده در چارچوب یک تحقیق علمی، ساخت جدیدی برای مفاهیم و محتوای درس مذکور، تحت عنوان، «مهندسی مجدد برنامه درسی» ارائه گردد، و با اشاره به مزایا و محدودیت‌های آن، لزوم استفاده از «ساخت بازآفرینی شده» را مورد بحث قرار دهد. در راستای بازنگری هدفمند برنامه درسی «مکاتب فلسفی و آرای تربیتی»، پژوهش حاضر به دنبال جست و جوی پاسخ به چهار سؤال اساسی است: مفاهیم و سرفصل‌های مصوب برنامه درسی «مکاتب فلسفی و آرای تربیتی» در دانشگاه‌های داخل و خارجی کدامند؟ وضعیت ساخت شرح درس «مکاتب فلسفی و آراء تربیتی» در دانشگاه‌های منتخب داخل و خارج از کشور چگونه است؟ با توجه به نگرش‌های فلسفی و تربیتی جدید چه مفاهیمی پیرامون درس «مکاتب فلسفی و آرای تربیتی» مورد نیاز دانشجویان کشور است؟ با تأکید بر اسلامی‌سازی دروس علوم انسانی در آموزش عالی ایران چه مفاهیم عمده ای در «مکاتب فلسفی و آراء تربیتی» مورد نیاز دانشجویان کشور است؟

روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف و مقوله‌هایی که در بردارد، از نوع تحقیقات کاربردی^۱ می باشد. در این پژوهش از روش ترکیبی با رویکرد اکتشافی متوالی استفاده شد. ابتدا در مرحله کیفی به روش تحلیل اسنادی، نه با هدف مقایسه و تطبیق نظام های آموزشی، بلکه با هدف تحلیل و کشف ماهیت حوزه آموزشی در زمینه مکتب های فلسفی و آرای تربیتی، وضعیت موجود ساخت و محتوای برنامه درسی مکاتب فلسفی و آرای تربیتی در دانشگاه های داخلی و خارجی پیشرو در عرصه فلسفه تعلیم و تربیت نظیر؛ امریکا، استرالیا و کانادا بررسی گردید. سپس باتوجه به نقطه نظرات حاصل از نمونه آماری مورد مطالعه و به روش توصیفی - پیمایشی محتوای جدیدی برای درس مذکور با تأکید بر اسلامی‌سازی دروس علوم انسانی در دانشگاه‌های کشور مشخص گردید. به عبارتی این تحقیق، از یک طرف با استفاده از روش تحلیل اسنادی به بررسی و توصیف وضع موجود در دو جامعه بهره‌بردار (دانشگاه داخل و خارج از کشور) می‌پردازد. از طرف دیگر باتوجه به نقطه نظرات حاصل از نمونه آماری مورد مطالعه (اعضای هیأت علمی و دانشجویان دانشگاه‌های داخلی)، محتوای جدیدی برای درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی ارائه و پیشنهاد

^۱. Applied Research

نمودند. برای شناسایی دانشگاه‌های برتر رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، چند مسیر دنبال شده است. در مهم‌ترین مسیر، از اعضای هیأت علمی مطرح کشور در رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش یا فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی درخواست شد تا با توجه به هدف پژوهش، دانشگاه‌های برتر در خارج از کشور را معرفی نمایند، از این طریق دانشگاه‌های امریکا، استرالیا و کانادا به عنوان پیشروان فلسفه تعلیم و تربیت معرفی شدند.

با توجه به تفاوت دو جامعه آماری از لحاظ تفاوت در تعداد و محتوای برخی از سؤالات و گویه‌های پرسشنامه‌ها، حجم نمونه هر جامعه به‌طور مجزا محاسبه گردیده است. از این رو، در تحقیق حاضر، دو نوع جمعیت آماری به شرح ذیل مورد نظر بود:

۱- اعضای هیأت علمی تمام وقت در دانشگاه‌های مذکور دارای دکتری تخصص علوم تربیتی با دو گرایش تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش و فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ که تعداد آنها ۱۱۹ نفر بوده است. با عنایت به اینکه در این مطالعه، حجم جامعه (تعداد اعضای هیأت علمی) اندک و محدود می‌باشد و از طرف دیگر با توجه به اینکه اخذ نقطه نظرات کلیه اعضای هیأت علمی مرتبط با موضوع در خصوص سؤالات پرسشنامه، برای محقق مهم و قابل توجه بوده است، بنابراین، کلیه اعضای هیأت علمی مورد بحث، به‌صورت تمام شماری در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفتند که از کلیه پرسشنامه‌هایی که جهت تکمیل به اعضای هیأت علمی ارسال گردید، در مجموع ۷۶ پرسشنامه تکمیل شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۲- کلیه دانشجویان فعال کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ در دانشگاه‌های مذکور، که تعداد آنها ۱۱۸۴ نفر بوده است. حجم نمونه این تحقیق با استفاده از فرمول کوکران ۲۹۰ نفر محاسبه شد. پس از تعیین حجم نمونه، از مجموع ۱۸ دانشگاه دولتی، آزاد و پیام نور که در دوره کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ دانشجو پذیرفتند، ابتدا ۱۲ دانشگاه به صورت تصادفی انتخاب شد. سپس در هر کدام از دانشگاه‌های منتخب، بین تعدادی از دانشجویان پرسشنامه‌های تحقیق به صورت تصادفی توزیع و جمع‌آوری شد؛ به عبارت دیگر، روش نمونه‌گیری دانشجویان به صورت تصادفی خوشه‌ای بوده است. با توجه به اینکه احتمال داده می‌شد بعضی از پرسشنامه‌ها باطل و یا بازگردانده نشوند، تعداد ۳۱۰ پرسشنامه، ارسال شد که از این تعداد ۳۰۲ نفر، آن را تکمیل و عودت دادند. بر اساس دفترچه انتخاب رشته ارشد سال ۱۳۹۸ دانشگاه‌هایی که در رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش پذیرش دانشجو داشتند عبارتند از: دانشگاه‌های اصفهان، الزهراء، بوعلی سینا، تربیت مدرس، تهران، خوارزمی تهران، شاهد، شهید باهنر کرمان، شیراز، شهید چمران، قم، علامه طباطبایی، مازندران، ملایر، سیستان و بلوچستان، شهید بهشتی، پیام نور و آزاد اسلامی. در این مطالعه، با توجه به اهداف، سؤالات و جامعه آماری برای گردآوری اطلاعات مربوط به اعضای هیأت علمی و دانشجویان دو پرسشنامه محقق ساخته بطور جداگانه تنظیم، که پس از

تأیید روایی و پایایی آن از سوی تعدادی از استادان و متخصصان طبق اقدامات ذیل مورد استفاده قرار گرفت:

- مطالعه منابع متعدد از جمله پژوهش‌های انجام شده و کتب درسی «مکاتب فلسفی و آرای تربیتی» و اسناد رسمی همچون مشخصات کلی برنامه‌ها، اهداف و سرفصل‌های مصوب درس موضوع تحقیق.

- مذاکره و یا مشاوره با برخی از متخصصان در زمینه تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش.

- تعیین مقوله‌های مرتبط با ساخت و محتوای برنامه درسی «مکاتب فلسفی و آرای تربیتی» و تعیین سوالات هر مقوله.

- تهیه فرم پیش‌نویس پرسشنامه‌ها.

- اصلاح فرم پیش‌نویس پرسشنامه‌ها براساس توجه به نظرات اساتید رشته علوم تربیتی با دو گرایش تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش و فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی.

- بررسی و تأیید اعتبار (روایی) پرسشنامه‌های اصلاح شده، براساس نظرات تعدادی از متخصصان مربوطه.

- اجرای آزمایشی پرسشنامه‌ها و بررسی قابلیت اعتماد (پایایی) آنها. برای تعیین پایایی نیز ابتدا پرسشنامه بین ۳۰ نفر از هر کدام از اعضای دو گروه (اعضای هیأت علمی و دانشجویان) به‌طور آزمایشی اجرا شد، سپس با استفاده از فرمول «آلفای کرونباخ» آنها به ترتیب به میزان ۰/۹۵۳ و ۰/۸۹۶ درصد برآورد شد.

الف: پرسشنامه اعضای هیأت علمی: که برای کسب آگاهی از نظرات اعضای هیأت علمی درخصوص وضعیت برنامه درسی مکاتب فلسفی و آرای تربیتی مورد استفاده قرار گرفته است، و شامل چهاربخش عمده بوده است:

بخش اول: اطلاعات فردی پاسخ‌دهندگان (۹ سؤال)

بخش دوم: اظهارنظر پیرامون وضعیت موجود ساخت برنامه درسی موردنظر (۹ سؤال)

بخش سوم: اظهارنظر پیرامون وضعیت موجود محتوا و مفاهیم درس مذکور (۲۱ سؤال)

بخش چهارم: پرسش باز- پاسخ، دو مورد که باید براساس معلومات، دیدگاه‌ها، انتظارات و تجربیات خود و نیز مواردی که احتمالاً در پرسشنامه مطرح نشده است، به آنها پاسخ دهند.

ب: پرسشنامه دانشجویان: که برای کسب آگاهی از نظرات دانشجویان دوره کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش که درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی را با موفقیت گذرانیده‌اند، درخصوص وضعیت برنامه درسی مکاتب فلسفی و آرای تربیتی، مورد استفاده قرار گرفته است، و شامل چهار بخش عمده بوده است:

بخش اول: اطلاعات فردی پاسخ‌دهندگان (۹ سؤال)

بخش دوم: اظهارنظر پیرامون وضعیت موجود ساخت برنامه درسی مذکور (۸ سؤال)

بخش سوم: اظهار نظر پیرامون وضعیت موجود محتوا و مفاهیم درس مذکور (۲۱ سؤال)
بخش چهارم: پرسش باز پاسخ، دو مورد که باید براساس معلومات، دیدگاه ها، انتظارات و تجربیات خود و نیز مواردی که احتمالاً در پرسشنامه مطرح نشده است، به آنها پاسخ دهند.
در قسمت آمار توصیفی این تحقیق ابتدا جداول توزیع فراوانی تهیه گردید و سپس آماره‌هایی همچون فراوانی، درصد فراوانی، فراوانی تجمعی، میانگین، میانه، مد یا نما، انحرافات معیار، واریانس و ... محاسبه گردیده است و در بخش آمار استنباطی از آماره‌هایی نظیر «آزمون من وایت نی»، «آزمون کروسکال والیس» و «آزمون ویلکاکسون» استفاده شده است. همچنین به منظور مقایسه نظرات و نگرش‌های افراد مورد مطالعه، «ضریب همبستگی اسپیرمن» به کار گرفته شده است.

این پژوهش با طبقه‌بندی اطلاعات و داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها در خصوص مفاهیم عمده ضروری برای تدوین محتوای برنامه درسی «مکاتب فلسفی و آرای تربیتی» نسبت به مقایسه نقطه نظرات جوامع آماری با یکدیگر و برقراری تناسب بین نظرات آنان به یک محتوای درسی جامع‌الاطراف دست یافت. به بیان خلاصه‌تر، در این مطالعه نظریات و اندیشه‌های بهره‌برداران (ذبنفعان) مورد مقایسه و تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

با توجه به نقش و جایگاه درس «مکاتب فلسفی و آرای تربیتی» در شکل‌گیری چارچوب فکری و زمینه ادراکی دانشجویان رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، نسبت به مبانی، اصول، مفاهیم و کارکردهای فلسفه تعلیم و تربیت در نظام آموزشی و همچنین اهمیت این درس در تقویت دانش و نگرش آنان نسبت به فلسفه تعلیم و تربیت و ایجاد زمینه‌های اولیه فکری برای تجزیه و تحلیل پیرامون مکاتب و آرای تربیتی در سازمان‌های آموزشی و آموزش عالی، کسب اطلاع از نظرات افراد و گروه‌های ذی‌ربط همچون استادان، مؤلفان، متخصصان، دانش‌آموختگان، دانشجویان و معلمان در رابطه با ساخت و محتوای درس مذکور، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ بنابراین، با توجه به اهداف و سؤال‌های این پژوهش، اهم نتایج حاصل از اطلاعات به دست آمده از دو نوع پرسشنامه اعضای هیأت علمی و دانشجویان، به اضافه نتایج حاصل از مطالعات و بررسی‌های نظری (کتابخانه‌ای) و انجام مصاحبه با (اعضای هیأت علمی) پیرامون دو مقوله "ساختار" و "محتوا" برای درس "مکاتب فلسفی و آرای تربیتی" به شرح ذیل در قالب دو دسته از نتایج ارائه می‌گردد:

1. Mann-Whitnet Test
2. Kruskal- Wallis test
3. Wilcoxon test
4. Spearman Rank Correlation Coefficient

۱- نتایج به دست آمده پیرامون "ساخت" درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی

بخشی از این مطالعه که هدف اصلی این پژوهش نیز می‌باشد ارزیابی درس «مکاتب فلسفی و آرای تربیتی» و سرفصل‌های آن می‌باشد. در این بخش ضرورت ارائه، میزان انطباق محتوا با نیازهای فنی و اطلاعاتی دانشجویان، نسبت واحدهای نظری و عملی، میزان استفاده از فعالیت‌های مکمل آموزشی، میزان استفاده از ابزارهای کمک آموزشی، مرتبط بودن الگوی تدریس، ضرورت بازنگری و تغییر سرفصل‌ها، میزان تأثیرگذاری در تقویت چارچوب نگرشی و بینشی دانشجویان، میزان پاسخگویی به نیازهای فلسفی، آموزشی و پژوهشی دانشجویان، میزان تناسب منابع درسی مورد استفاده با سرفصل‌های معرفی شده شورای عالی برنامه ریزی آموزشی مورد سنجش و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاکی از آن است که:

- ۸۴/۶ درصد از اعضای هیأت علمی ارائه درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی در مقطع کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش را «کاملاً ضروری» و تنها ۱۵/۴ درصد گزینه «بهتر است ارائه شود» را انتخاب کردند. هیچکدام از اعضای هیأت علمی بر «عدم ضرورت ارائه این درس» توجه نکردند. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که ۹۲/۷ درصد دانشجویان نیز ارائه درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی در مقطع کارشناسی ارشد را «کاملاً ضروری»، ۵/۷ گزینه «بهتر است ارائه شود» و تنها ۰/۵ درصد دانشجویان اعلام کرده‌اند که ارائه این درس ضرورتی ندارد.

- نتایج نشان می‌دهد: همه پاسخگویان؛ یعنی ۱۰۰ درصد اعضای هیأت علمی بر این عقیده هستند که محتوای کنونی درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی با نیازهای فنی و اطلاعاتی دانشجویان تناسب زیادی نداشته و پاسخگویی نیازهای آنان نیست.

- نتایج نشان می‌دهد: ۵۳/۸ درصد از اعضای هیأت علمی معتقدند که درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی می‌بایست به صورت دو واحد نظری و یک واحد عملی و ۴۶/۲ درصد نیز معتقدند که این درس به صورت سه واحد نظری ارائه گردد. همچنین پاسخگویان بر بعد نظری این درس بیشتر از بعد عملی آن تأکید دارند. ۵۹/۳ درصد از حجم نمونه دانشجویان معتقدند که درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی بهتر است به صورت ۲ واحد نظری و یک واحد عملی ارائه گردد. در این رابطه حدود ۶۰ درصد دانشجویان ارائه حداقل یک واحد عملی را برای این درس ضروری دانسته‌اند.

- در خصوص مکمل فعالیت‌های آموزشی و تأثیر آنها، نتایج نشان می‌دهد: تقریباً ۵۸ درصد «ارائه کنفرانس کلاسی»، ۵۴ درصد «ترجمه متون تخصصی»، ۸۱ درصد «تهیه و ارائه مقاله» و ۱۰۰ درصد «طرح سؤالات تحلیلی و کاربردی» را در حد زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده است. بنابراین، استفاده از «سؤالات تحلیلی و کاربردی» کم و بیش و به صورت متنوع از سوی اعضای هیأت علمی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر اساس این دیدگاه، ۲۳/۱ درصد از اعضای هیأت علمی

«ارائه کنفرانس کلاسی» را برای کلیه دانشجویان به صورت اجباری و ۶۱/۵ درصد حق انتخاب را برای دانشجویان محفوظ نموده‌اند. همچنین، ۶۳/۵ درصد از اعضای هیأت علمی «تهیه و ارائه مقاله» را برای کلیه دانشجویان اجباری و ۳۰/۸ درصد از آنان حق انتخاب را برای دانشجویان محفوظ نموده‌اند. در پایان ۴۶/۱۲ درصد از استادان «به‌کارگیری سؤالات تحلیلی- کاربردی» را به عنوان تکلیف درسی برای همه دانشجویان اجباری و تنها ۱۵/۴ درصد از آنان حق انتخاب را به نظر دانشجویان قرار داده‌اند.

- در خصوص میزان استفاده از نوع ابزارهای کمک آموزشی به وسیله اعضای هیأت علمی، قابل ذکر است که، ۸۵ درصد از پاسخگویان میزان استفاده از «وایت برد / تخته سیاه» را در حد متوسط به بالا ارزیابی نموده‌اند. ۷۷ درصد افراد نیز میزان استفاده از «ویدئو پروژکتور» را در حد متوسط به بالا ارزیابی کرده‌اند. ۶۸ درصد نیز «کتب مرجع تاریخ فلسفه» را در حد متوسط با بالا ارزیابی کرده‌اند. این در حالی است که استفاده از اورهد، فیلم‌های آموزشی و کامپیوتر به عنوان ابزار کمک آموزشی به سمت مخالف این ارزیابی تغییر جهت داده به‌گونه‌ای که درصد بسیار کمی از استادان از این ابزارها استفاده می‌نمایند.

- بررسی‌ها نشان می‌دهد، ۸۹/۵ درصد اعضای هیأت علمی به صورت مستمر و دائمی از الگوی تدریس «آموزش مستقیم» استفاده می‌نمایند. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان نتیجه گرفت که الگوهای «آموزشی مستقیم»، «تدریس غیرمستقیم»، «دریافت مفهوم»، «تصویر مفهومی»، «روش پیش سازمان دهنده» و «تحلیل و بحث فلسفی» بیشترین استفاده و الگوهای «کاوشرگی به شیوه محاکم قضایی»، «ایفای نقش» و «یادسپاری» کمترین استفاده را دارند. در همین راستا، نزدیک به ۶۲/۵ درصد از دانشجویان معتقدند که روش (روش‌های) تدریس درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی با ساخت و محتوای این درس در حد زیاد و خیلی زیاد تناسب داشته و روش‌های تدریس استادان خود را مناسب ارزیابی نموده و تنها ۳۶/۵ درصد آنان معتقدند که این روش‌ها با ساخت و مفاهیم محتوای این درس در حد کم، خیلی کم و عدم تناسب دارند.

- بررسی نتایج نشان می‌دهد: که حدود ۶۱/۵ درصد از اعضای هیأت علمی خواستار «اصلاح سرفصل‌ها» و حدود ۳۸/۵ درصد از آنان خواستار «دگرگونی سرفصل‌ها» بوده‌اند. همچنین، نتایج مربوط به نظرات دانشجویان در خصوص این سؤال نشان می‌دهد: که نزدیک به ۸۵ درصد از دانشجویان مورد مطالعه معتقد به ضرورت اصلاح برخی سرفصل‌ها، ۲۹/۲ درصد ضرورت دگرگونی کامل سرفصل‌ها و تنها ۱۵/۱ درصد از آنان به عدم ضرورت بازنگری در محتوای برنامه درسی مکاتب فلسفی و آرای تربیتی رأی مثبت داده‌اند.

- بیش از ۹۱ درصد دانشجویان معتقدند که درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی در تقویت چارچوب نگرشی و بینشی آنان در حد زیاد و خیلی زیاد تأثیرگذار است و تنها حدود ۶ درصد

پاسخگویان میزان این تأثیر را در حد کم و خیلی کم و یا بدون تأثیر ارزیابی نموده‌اند. همچنین، ۹۴/۸ درصد دانشجویان محتوای درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی را با تأثیر زیاد و خیلی زیاد در جهت تقویت مهارت‌های فلسفی خویش ارزیابی نموده و تنها ۴/۷ درصد افراد میزان این تأثیر گذاری را در حد کم می‌دانند.

- نتایج حاکی از آن است: که ۹۴/۲ درصد پاسخگویان تأثیر محتوای این درس جهت پاسخگویی به نیازهای فلسفی، آموزشی و پژوهشی خود را در حد زیاد و خیلی زیاد عنوان نموده و تنها ۵/۷ درصد پاسخگویان تأثیر محتوای این درس را متناسب با نیازهای فلسفی، آموزشی و پژوهشی را در حد کم و خیلی کم ارزیابی کرده‌اند.

- نتایج نشان می‌دهد: که از دیدگاه دانشجویان در بیش از ۶۶ درصد افراد نمونه، منابع درسی مورد استفاده تا حدود زیادی متناسب با سرفصل‌های معرفی شده، بوده است و ۳۲/۳ درصد به در حد کم و خیلی کم، و تنها ۹/۹ درصد به عدم تناسب منابع درسی اذعان داشته‌اند.

۲- نتایج به دست آمده پیرامون "محتوای" درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی

در این مقوله (محتوای برنامه درسی)، چهار دسته از سرفصل‌های درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی در پرسشنامه، مورد نظرسنجی اعضای هیأت علمی قرار گرفته است، که نتایج حاصل از بررسی نظرات منعکس شده در پرسشنامه‌ها به قرار زیر است:

الف- در خصوص سرفصل‌های مصوب سال ۱۳۶۸:

- نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها در خصوص ضرورت ارائه هر کدام از سرفصل‌های مصوب برای درس مذکور در مقیاس (۱۰-۱) حاکی از آن است: اکثریت قریب به اتفاق این سرفصل‌ها نمره ۱۰ را اخذ نموده‌اند (یعنی اهمیت و ضرورت بالا). میانه، نما و میانگین تمام سرفصل‌ها بالاتر از ۶ است. یعنی اینکه حدود ۷۰ درصد از اعضای هیأت علمی به سرفصل‌های مصوب نمره (۱۰-۸) که نشان از ضرورت و اهمیت بالاست، جهت ارائه در این درس معتقد بوده‌اند.

ب- در خصوص سرفصل‌های نوین (با قابلیت جایگزینی)

- ارزیابی کلی ضرورت و اهمیت سرفصل‌های معرفی شده گویای آن است که ۷/۷ درصد (اعضای هیأت علمی) ضرورت پایین، ۵۳/۸ درصد ضرورت متوسط و ۳۸/۵ درصد ضرورت بالا را برای سرفصل‌های جایگزین انتخاب کرده‌اند. در ضمن، مجموع بررسی میزان ضرورت ارائه سرفصل‌های جدید اقتباس شده از منابع درسی دانشگاه‌های خارج، در قالب برنامه درسی دانشگاه‌های داخلی، نشان می‌دهد که ۸۱/۶ درصد (دانشجویان) معتقدند ارائه سرفصل‌های جدید از ضرورت بالا، ۱۶/۳ درصد متوسط و تنها ۲/۱ درصد ضرورت آن را در حد پایین ارزیابی نموده‌اند.

ج- در خصوص سرفصل‌های آموزشی متناسب با اسلامی‌سازی دروس علوم انسانی

- در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت: که ۸۴/۸ درصد از پاسخگویان ضرورت سرفصل‌های آموزشی متناسب با اسلامی‌سازی محتوای درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی را در حد ضرورت بالا، ۱۷/۸ درصد در حد ضرورت متوسط و تنها ۲/۴ درصد دیگر ضرورت این سرفصل‌ها را در حد پایین ارزیابی کرده‌اند.

د- در خصوص سرفصل‌های پیشنهادی

در بخشی از پرسشنامه، دیدگاه‌ها و نظرات مدرسین در خصوص سرفصل‌های آموزشی پیشنهادی از نظر اعضای هیأت علمی و دانشجویان بصورت باز پاسخ مورد سؤال قرار گرفت که نتیجه تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده نشان می‌دهد: که ۷۶/۳ درصد (دانشجویان) معتقدند ارائه سرفصل‌های پیشنهادی از ضرورت بالا، ۲۰/۶ درصد متوسط و تنها ۳/۱ درصد ضرورت آن را در حد پایین ارزیابی نموده‌اند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

با توجه به نقش و جایگاه درس «مکاتب فلسفی و آرای تربیتی» در شکل‌گیری چارچوب فکری و زمینه ادراکی دانشجویان رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت، نسبت به اصول، مبانی، مفاهیم و کارکردهای آن در نظام آموزشی و همچنین اهمیت این درس در تقویت دانش و نگرش آنان نسبت به ابعاد گوناگون تعلیم و تربیت و ایجاد زمینه‌های اولیه فکری برای تجزیه و تحلیل‌های بعدی پیرامون نظریه‌های مختلفی فلسفی و تربیتی در سازمان‌های آموزشی و از طرف دیگر، با توجه به نتایج حاصل از تحقیقات پیشین مبنی بر عدم پاسخگویی محتوای این درس به نیازهای اطلاعاتی دانشجویان و لزوم مهندسی مجدد در ساخت و محتوای برنامه درسی مذکور با هدف شناسایی وضعیت کنونی و ارائه راهکارهایی جهت بهبود ساخت و محتوای این برنامه درسی، پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفت. در همین راستا، Richart, Victoria Munoz (1999) معتقد است: یادگیرندگان عصر اطلاعات بیش از هر زمان دیگر به زمینه‌هایی جهت توسعه و پرورش توانایی‌هایی همچون پژوهش، انتخاب و ترکیب مناسب اطلاعات جهت خلق دانش و نوآوری‌ها و توانایی تفکر انتخاب و بکارگیری راه‌حل‌های لازم جهت رویارویی با مسائل کار گروهی و مهارت‌های ارتباطی مناسب نیاز دارند، چراکه این دسته مهارت‌ها از ضروریات عصر حاضر محسوب می‌شوند. از این رو حرکت و تغییر از سیستم‌های استاد-محور به سمت سیستم‌های یادگیرنده-محور و توجه و تأکید بیشتر بر یادگیری و فرآیند آن در برنامه‌های درسی آموزش عالی الزام آور است. به طور کلی آنچه باید مدنظر برنامه ریزان درسی آموزش عالی قرار گیرد، توجه به رسالت‌های اصلی آموزش عالی، شرایط، تحولات و در نتیجه نیازها می‌باشد و این امر مستلزم مطالعه و بررسی و به دنبال آن مهندسی مجدد و بهبود برنامه‌هاست.

اهم نتایج حاصل از اطلاعات بدست آمده از دو نوع پرسشنامه اعضای هیأت علمی و دانشجویان که در قسمت یافته‌ها به آن پرداخته شد، به اضافه نتایج حاصل از مطالعات و بررسی‌های نظری (کتابخانه‌ای) پیرامون دو مقوله ساختار و محتوا برای درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی به شرح ذیل در قالب دو دسته از نتایج ارائه می‌گردد:

۱- نتایج به دست آمده پیرامون "ساخت" درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی

بخشی از این مطالعه که هدف اصلی این پژوهش نیز بود؛ ارزیابی درس «مکاتب فلسفی و آرای تربیتی» و سرفصل‌های آن می‌باشد. نتایج حاکی از آن است که:

- در بین مواد درسی رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت، درس «مکاتب فلسفی و آرای تربیتی» با هدف "شناخت نظریات تربیتی فیلسوفان مکاتب مختلف و تجزیه و تحلیل و انتقاد از نظریات فلسفی و ارائه نظریه خود" به عنوان یکی از دروس اصلی و دارای نقش بسیار حساس و تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری ساختار ذهنی و تثبیت نگرش دانشجویان پیرامون مسائل تربیتی می‌باشد. مطابق با یافته‌های این پژوهش، اکثر پاسخگویان (اعضای هیأت علمی و دانشجویان) نیز بر ضرورت ارائه درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی تأکید داشتند. این یافته‌ها با یافته‌های به دست آمده در مطالعات Shebang Varco (2013)، در ارتباط با ضرورت ارائه دروس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی برای دانشجویان رشته فلسفه تعلیم و تربیت همخوانی داشته و تأییدکننده نتایج به دست آمده در این پژوهش‌ها می‌باشد.

- یکی از مهم‌ترین دلایل پایداری و ماندگاری هر موضوع میزان پاسخگویی آن با نیازهای جامعه است. از این رو در این تحقیق میزان انطباق محتوای درسی با نیازهای فنی و اطلاعاتی دانشجویان از دیدگاه اعضای هیأت علمی مورد بررسی قرار گرفت. که یافته‌ها حاکی از متناسب بودن محتوای کنونی درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی با نیازهای فنی و اطلاعاتی دانشجویان و پاسخگویی نیازهای آنان می‌باشد. این نتیجه با یافته‌های Zarghami & Bazghandi (2010) همخوانی ندارد. چرا که، نتایج این پژوهش حاکی از عدم همخوانی واحدهای درسی رشته فلسفه تعلیم و تربیت با نیازهای فنی و اطلاعاتی دانشجویان دارد. از نظر محقق دلیل این امر می‌تواند فاصله بین انجام این دو پژوهش بلحاظ زمانی (حدود ده سال) ذکر نمود.

- یکی دیگر از مهم‌ترین دغدغه‌های مربوط به دانش‌آموختگان، کاربرد آموخته‌های خود در محیط‌های اجرایی و محیط کار است. گنجاندن واحدهای عملی، یکی از راه‌های مرتفع‌نمودن این دغدغه‌ها است، که با توجه به محدودیت تعداد واحدهای یک درس باید نسبت واحدهای عملی و نظری در صورت بهینه تعیین گردند. از این رو در این مطالعه به بررسی نظرات پاسخگویان در مورد مناسب‌ترین شکل ارائه این درس از نظر واحدهای عملی و نظری پرداخته شد. نتایج حاکی از آن بود که اکثر پاسخگویان بر بعد نظری این درس بیشتر از بعد عملی آن تأکید داشته و

بیشتر پاسخگویان ارائه حداقل یک واحد عملی را برای این درس ضروری دانسته‌اند. این یافته‌ها با یافته‌های به دست آمده در مطالعات Zarghami & Bazghandi (۲۰۱۰) و مطالعات Wang (۱۹۹۴)، در ارتباط با نسبت واحدهای نظری به عملی و ضرورت حداقل یک واحد عملی در محتوای برنامه‌های درسی دوره‌های ارشد همخوانی داشته و تأییدکننده نتایج به دست آمده در این پژوهش‌ها می‌باشد.

- استفاده از ابزارهای کمک آموزشی به عنوان یکی دیگر از اهداف پژوهش، عامل کمکی بسیار مؤثری در انتقال مفاهیم و محتوای ماده آموزشی است که اثر نهایی آن در کیفیت خروجی (فارغ‌التحصیلان) قابل مشاهده خواهد شد. در خصوص میزان استفاده از نوع ابزارهای کمک آموزشی به وسیله استادان، نتایج این مطالعه بیانگر آن است که استادان در تدریس درس "مکاتب فلسفی و آرای تربیتی" از ابزارهای کمک آموزشی متنوعی استفاده می‌کنند اما کمیت و کیفیت آن در دانشگاه‌های مختلف متفاوت است. در راستای نتایج تحقیق حاضر، Lunenburg (۱۹۹۵) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که کمیت و کیفیت فعالیت‌های آموزشی به عنوان یکی از متغیرهای مداخله‌گر در سیستم آموزشی است. به عبارتی، هر چقدر فعالیت‌های تدریس دارای کیفیت بالا باشد خروجی سیستم نیز دارای کیفیت بالایی خواهد بود.

- هدف از طرح یکی دیگر از سؤالات پژوهش این بود که آیا روش‌های تدریس و آموزش این درس یکطرفه (استاد به دانشجو) و غالباً از طریق روش سخنرانی توسط استاد انجام می‌گیرد و یا اینکه از روش‌های مشارکتی، انگیزه‌زا و ذهن‌برانگیز نیز استفاده می‌شود. بررسی نگرش اعضای هیأت علمی نسبت به تأثیر انواع فعالیت‌های درسی دانشجویان، به عنوان مکمل فعالیت‌های آموزشی در تدریس درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی، مبین آن است که استفاده از «سؤالات تحلیلی و کاربردی» کم و بیش و به صورت متنوع از سوی استادان مورد استفاده قرار می‌گیرد و آن را برای همه دانشجویان اجباری می‌دانند.

همچنین در خصوص استفاده از الگوهای متنوع تدریس در ارائه درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی نتایج حاکی از آن است که استادان به صورت مستمر و دائمی از الگوی تدریس «آموزش مستقیم» استفاده می‌نمایند. همچنین، اکثر دانشجویان روش (روش‌های) تدریس درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی از سوی استادان با ساخت و محتوای این درس را مناسب ارزیابی نمودند.

- بررسی نتایج ضرورت بازنگری، اصلاح و دگرگونی سرفصل‌های مربوط به درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی از دیدگاه پاسخگویان نشان می‌دهد که درصد خیلی بالایی از اعضای هیأت علمی و دانشجویان خواستار «اصلاح سرفصل‌ها» بوده‌اند. این یافته‌ها با یافته‌های به دست آمده در مطالعات Faith, Vajargah et al., (۲۰۱۴) Ghorbanifar, Nile and Debary. (۲۰۱۴) و al (۲۰۱۴) Karamu & Fattah, (۲۰۱۳) Karim, Nasr & Sharif. (2013)،

Zarghami & Van der zee (۲۰۰۶) و Knapped, Ch. and Croly, A (۲۰۰۰). در ارتباط با ضرورت اصلاح سرفصل دروس مورد بررسی همخوانی داشته و تأییدکننده نتایج به دست آمده در این پژوهش‌ها می‌باشد.

- بررسی نتایج حاکی از آن است که از دیدگاه پاسخگویان، درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی در تقویت چارچوب نگرشی و بینشی تأثیرگذار می‌باشد و آن را جهت تقویت مهارت‌های فلسفی خویش مثبت ارزیابی نموده‌اند. همچنین، بررسی نگرش دانشجویان در خصوص میزان پاسخگویی درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی در برابر نیازهای فلسفی، آموزشی و پژوهشی آنان حاکی از آن است که بیشتر پاسخگویان تأثیر محتوای این درس را متناسب با نیازهای فلسفی، آموزشی و پژوهشی ارزیابی کرده‌اند.

- سنجش نگرش پاسخگویان در خصوص تناسب منابع مورد استفاده درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی با سرفصل‌های این درس نشان می‌دهد که اکثر دانشجویان منابع درسی معرفی شده از سوی استادان را تا حدودی متناسب با سرفصل‌های معرفی شده ارزیابی کرده‌اند. اما با توجه به بررسی پیشینه، تاکنون در ایران هیچگونه تحلیل جامعی از ساخت و محتوای درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی مصوب رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش بر اساس نیازهای واقعی دانشجویان و با تأکید بر اسلامی سازی علوم انسانی انجام نشده است.

۲- نتایج به دست آمده پیرامون "محتوای" درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی

در این مقوله (محتوای برنامه درسی)، چهار دسته از سرفصل‌های درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی در پرسشنامه مورد نظرسنجی قرار گرفته است. با توجه به اهمیت مفهومی و نقش کارکردی مفاهیم و سرفصل‌های درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی در ساخت‌دهی نظام دانشی، بینشی و مهارتی دانشجویان رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، ضرورت ارائه هر کدام از سرفصل‌های مصوب برای درس مذکور در مقیاس (۱۰-۱) مورد سؤال و ارزیابی قرار گرفت.

الف- در خصوص سرفصل‌های مصوب سال ۱۳۶۸

یکی از اساسی‌ترین بخش پژوهش حاضر، ارزیابی سرفصل‌های مصوب می‌باشد که در حال حاضر تدریس در دانشگاه‌ها بر اساس آنها صورت می‌گیرد. با توجه به اهمیت مفهومی و نقش کارکردی مفاهیم و سرفصل‌های درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی در ساخت‌دهی نظام دانشی، بینشی و مهارتی دانشجویان رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، ضرورت ارائه هر کدام از سرفصل‌های مصوب برای درس مذکور در مقیاس (۱۰-۱) مورد سؤال و ارزیابی قرار گرفت. اولویت‌بندی سرفصل‌های مصوب بر اساس نظر (اعضای هیأت علمی) گویای آن است: که سرفصل‌های ایدآلیسم، رئالیسم و پراگماتیسم رتبه‌های اول تا سوم را به خود اختصاص داده، و نظریه بازسازی و مبارزه‌طلبی فلسفه وجود در رتبه‌های آخر انتخاب آنان قرار گرفتند. همچنین، سرفصل‌های ایده‌آلیسم، رئالیسم، پراگماتیسم، اگزیستانسیالیسم، فلسفه تحلیلی، فلسفه تجدید

بنای اجتماعی برای (دانشجویان) به ترتیب حائز بیشترین ضرورت جهت ارائه در این درس بوده و سرفصل‌های مبارزه طلبی فلسفه وجود و بنیان‌گذاری به ترتیب به عنوان دو اولویت آخر در این لیست جای گرفته‌اند و از دیدگاه آنان ارائه این سرفصل‌ها دارای ضرورت پایین‌تری نسبت به سایر سرفصل‌های مصوب می‌باشند.

ب- در خصوص سرفصل‌های نوین (با قابلیت جایگزینی)

بخشی دیگر از این مطالعه بررسی تجارب سایر کشورها در زمینه محتوا و سرفصل‌های دروس مرتبط با تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش با هدف تهیه و پیشنهاد سرفصل‌های جدید می‌باشد، که پس از مطالعه منابع خارجی و داخلی در خصوص کشورهای پیشرو در زمینه فلسفه تعلیم و تربیت نظیر؛ آمریکا، استرالیا و کانادا ده سرفصل جدید به‌عنوان سرفصل‌های قابل جایگزین معرفی و در قالب سؤالات پرسشنامه، ضرورت و اهمیت آنها توسط پاسخگویان داوری شد. عناوین جدید پس از تهیه و دسته‌بندی در یک مقیاس (۱۰-۰) مورد ارزیابی قرار گرفتند. اولویت‌بندی سرفصل‌های جدید از نظر میزان اهمیت نشان می‌دهد: که سرفصل‌های: ۱. تربیت در عمل ۲. تحلیل تربیتی ۳. بوم‌شناسی تربیتی ۴. مبانی سیاست‌گذاری تربیتی ۴. روش‌شناسی کیفی پژوهش‌های تربیتی ۵. فلسفه ذهن ۶. انسان‌شناسی تربیتی ۷. تکثرگرایی فرهنگی و تربیت ۸. علوم، دین و تربیت ۹. مفهوم فلسفی جنسیت و تربیت جنسی ۱۰. نشانه‌شناسی تربیتی ۱۱. ساختارگرایی و پسا‌ساختارگرایی به ترتیب در اولویت قرار دارند.

همچنین، یافته‌های به دست آمده از این مطالعه حاکی از آن است که، از دیدگاه اعضای هیأت علمی، ضرورت و اهمیت ارائه سرفصل‌های جدید و قابل جایگزین که طی مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و بررسی‌های اینترنتی از برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌های خارجی اقتباس گردیده است، اندکی بیشتر از ضرورت و اهمیت ارائه سرفصل‌های مصوب ارزیابی گردیده است. هرچند که این تفاوت در این ارزیابی‌ها از نظر آماری معنی‌دار نبوده است، ولی این امر به این معنا است که اعضای هیأت علمی، نگرش نسبتاً یکسانی نسبت به هر دو نوع سرفصل داشته و ضرورت و اهمیت آن‌ها را تقریباً در یک سطح ارزیابی نموده‌اند. به عبارت دیگر چنانچه ضرورت و اهمیت سرفصل‌های اقتباس شده از منابع خارجی بیشتر از ضرورت سرفصل‌های مصوب نباشد کمتر از آن نیز نخواهد بود.

ج- در خصوص سرفصل‌های آموزشی متناسب با اسلامی‌سازی دروس علوم انسانی

در بخشی از پرسشنامه بصورت یک سؤال باز پاسخ، دیدگاه‌ها و نظرات پاسخگویان در خصوص سرفصل‌های آموزشی که متناسب با اسلامی‌سازی محتوای دروس علوم انسانی همچون مکاتب فلسفی و آرای تربیتی مورد ارزیابی باشد مورد کنکاش قرار گرفت. در این راستا، فصل ششم (نظام آموزشی) به‌عنوان یکی از مهم‌ترین زیرنظام‌های سند اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها به‌طور مشخص موضوع "برنامه‌ریزی، تنظیم و بازنگری سرفصل‌ها و تدوین متون و برنامه‌ریزی آموزشی

در تمامی شاخه‌های علوم براساس آموزه‌های اسلامی" را مدنظر قرار داده است (Supreme Council for Cultural Revolution, 2013).

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست آمده از این پرسشنامه‌ها نشان می‌دهد که در مجموع ۴ عنوان در قالب سرفصل آموزشی جهت متناسب‌سازی محتوای درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی با علوم اسلامی پیشنهاد می‌گردد. آنان معتقدند، با توجه به سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها و تأکید آن بر اصلاح و بازنگری متون آموزشی با رویکرد تحول و ارتقاء رشته‌های گوناگون با اولویت علوم انسانی، بایستی بخشی از سرفصل‌های پیشنهادی زیر در تدوین محتوای این درس مورد استفاده قرار گیرند. این سرفصل‌ها عبارتند از: ۱. تربیت در عمل. (این سرفصل به دورنمای کاربرد آراء تربیتی برگرفته از مکاتب فلسفی جهت وضوح بخشی به ابعاد مسائل تربیتی جامعه اسلامی و روش درست حل مسائل با ترکیب عقلانیت فردی و جمعی). ۲. تحلیل تربیتی (در این سرفصل به کشف پیش فرض‌های استدلال‌های تربیتی پرداخته می‌شود و تطبیق با آموزه‌های دینی در راستای تدوین علم تربیت دینی). ۳. بوم‌شناسی تربیتی (در این سرفصل به تقویت توانایی دانشجویان در راستای شناسایی بسترهای بومی فرهنگی - اجتماعی متناسب با بافت جامعه دینی پرداخته می‌شود). ۴. مبانی سیاست‌گذاری تربیتی (در این سرفصل به چهارچوب نظری بر گرفته از فلسفه مسلط اجتماعی و متأثر از الگوی سیاسی حاکم بر جامعه اسلامی پرداخته می‌شود تا مستند کردن عمل به نظر بر اساس مانیفست تربیت اسلامی به آسانی صورت پذیرد).

در قسمت پایانی پرسشنامه، یک سؤال باز پاسخ تحت عنوان «سایر پیشنهادات» منظور گردیده بود. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست آمده از پرسشنامه اعضای هیأت علمی حاکی از آن است که سرفصل‌های آموزشی پانزده‌گانه زیر جهت جایگزینی با برخی از سرفصل‌های مصوب و در حال ارائه، مورد تأکید استادان درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی بوده و این مدرسین معتقدند، با توجه به خصوصیات عصر کنونی و شرایط علمی، فرهنگی و اجتماعی جامعه و نیز نیازهای شغلی و حرفه‌ای دانشجویان این رشته بایستی بخشی از سرفصل‌های پیشنهادی زیر در تدوین محتوای این درس مورد استفاده قرار گیرند. این سرفصل‌ها عبارتند از: ۱. مبانی فلسفی سواد. ۲. تدریس (نظریه و عمل). ۳. مبانی ارزشیابی و قضاوت آموزشی. ۴. مبانی طراحی آموزشی. ۵. معلم یاری (عملی). ۶. مبانی رسانه و تربیت. ۷. مهارت‌های زندگی و آموزش

اهم نتایج حاصل از بررسی‌ها و اطلاعات به‌دست آمده پیرامون دو مقوله «ساخت» و «محتوا»ی درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی حاکی از آن است؛ که محتوا و مفاهیم عمده درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی در دوره کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت که هم اکنون در دانشگاه‌های ایران ارائه می‌گردد، محصول دو نهاد «شورای عالی انقلاب فرهنگی» (در اوایل ده ۶۰) و شورای عالی برنامه‌ریزی (از اوایل ده ۷۰ تا کنون) می‌باشد، که تا

مهندسی مجدد ساخت و محتوای برنامه درس...

زمان حال از تغییرات کمی و کیفی مختصری (عموماً بدون مشخص بودن مبنای تغییرات) برخوردار گشته است.

از این رو، با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان به راهکارها و پیشنهادهای ذیل اشاره کرد:

- ارائه درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی در مقطع کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، کاملاً ضروری بوده و در بهبود عملکرد حرفه‌ای فارغ‌التحصیلان و نیز در توسعه مهارت‌های دانشی، بینشی و نگرشی آنان پیرامون مسائل فلسفه آموزش و پرورش، کاملاً اثرگذار است.

- با توجه به ویژگی‌های عصر حاضر و ضرورت بازنگری در شیوه‌های انتقال دانش و اطلاعات به فراگیران، ضروری است در انتقال مفاهیم و سرفصل‌های این درس از شیوه‌هایی همچون آموزش الکترونیک (E-Learning) و آموزش مجازی (Virtual Learning) استفاده گردد.
- دروس دوره کارشناسی ارشد به صورت اختیاری ارائه شود، تا از این طریق دانشجویان تحصیلات تکمیلی بتوانند در راستای تأمین نیازهای شغلی و حرفه‌ای خود و برحسب علاقه و زمینه‌های قبلی، از دانش تخصصی بهره لازم را ببرند.

- با توجه به تجربه‌ی موفق نظام آموزشی کشورهای موفق در حوزه آموزش، پیشنهاد می‌گردد؛ توسط استادان و صاحب‌نظران، استانداردهای متناسب با شرایط نظام آموزشی کشور، تعریف و ارائه شود، تا بر اساس آن استانداردها نسبت به آموزش دانشجویان مربوطه اقدام گردد.
- پیشنهاد می‌گردد بازنگری در محتوا، ساخت و مفاهیم عمده سایر دروس رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش در قالب طرح‌های تحقیقاتی و یا پایان‌نامه‌های دانشجویی به صورت دقیق و علمی مورد توجه قرار گیرد.

- استادان محترم درس مکاتب فلسفی و آرای تربیتی در ارائه تکالیف درسی به دانشجویان از روش‌هایی همچون طرح سؤالات تحلیلی و کاربردی، تهیه و ارائه مقاله، ترجمه‌ی متون تخصصی و ارائه کنفرانس کلاسی برای کلیه دانشجویان بیشتر استفاده نمایند.

- با عنایت به ضرورت به کارگیری الگوهای تدریس مناسب برای انتقال بهتر مفاهیم درسی، تلاش گردد از الگوهای استفاده شود که دارای جنبه‌های کاربردی و عملیاتی بیشتری می‌باشند، تا از این طریق در آشناسازی دانشجویان با شرایط واقعی محیط‌های کار، توفیق حاصل گردد.

در پایان، با توجه به آن که هدف این پژوهش مهندسی مجدد ساخت و محتوای برنامه‌ی درس «مکاتب فلسفی و آراء تربیتی» دوره‌های ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش بوده، به‌کارگیری آن در سایر مقاطع، گرایش‌ها و سرفصل دروس علوم تربیتی نیاز به بازتعریف متغیرهای اثرگذار و اتخاذ روش تحقیق متناسب و نهایتاً تحلیل و بررسی یافته‌های پژوهش، متناسب با اهداف هر کدام از مقاطع، گرایش و دروس مربوط خواهد بود.

الگوی پیشنهادی برای درس "مکاتب فلسفی و آرای تربیتی" در دانشگاه‌های ایران

الگوهای تدریس:

روش پیش سازمان دهنده، تحلیل و بحث فلسفی، آموزش مستقیم، تدریس غیر مستقیم، دریافت مفهوم، تصویر مفهومی

وسایل کمک آموزشی:

۱. وایت برد/ تخته سیاه
۲. ویدئو پروژکتور
۳. کتب مرجع تاریخ فلسفه

فعالیت‌های مکمل تدریس:

طرح سؤالات تحلیلی و کاربردی، تهیه و ارائه مقاله، ترجمه متون تخصصی، ارائه کنفرانس کلاسی

منابع درسی:

انتظار می‌رود استادان مربوطه منابع کامل‌تری که شامل نظریات فلسفی جدید نیز می‌باشد را تدوین نمایند.

عنوان درس: مکاتب فلسفی و آرای تربیتی

تعداد واحد: ۲ واحد نظری، ۱ واحد عملی

پیش‌نیاز: فلسفه آموزش و پرورش

هدف درس: توسعه دانش، بینش و مهارت‌های فلسفی دانشجویان ویژه سازمان‌های آموزشی و حوزه‌های آموزش سازمان‌های غیر آموزشی

سرفصل‌های درس (مفاهیم عمده)

ایده‌آلیسم و تربیت، رئالیسم و تربیت، پراگماتیسم و نئوپراگماتیسم و تربیت، اگزیستانسیالیسم و تربیت، فلسفه تحلیلی و تربیت، ساختارگرایی و پسا ساختارگرایی، پایدارگرایی، پیشرفت‌گرایی، نظریه بازسازی، ناتوریسم و نئوناتورالیسم، فمینیسم و پسا فمینیسم، مدرنیسم و پست مدرنیسم و تربیت، لیبرالیسم و نئولیبرالیسم، جهانی شدن و تربیت، تربیت زیست محیطی، هرمونتیک، رویکردهای مکتب انتقادی، . تربیت در عمل، تحلیل تربیتی، بوم شناسی تربیتی، مبانی سیاستگذاری تربیتی، فلسفه ذهن، انسان شناسی تربیتی، تکثر گرایی فرهنگی و تربیت، علوم، دین و تربیت، مفهوم فلسفی جنسیت و تربیت جنسی، نشانه شناسی تربیتی، مبانی فلسفی سواد، تدریس (نظریه و عمل)، مبانی ارزشیابی و قضاوت آموزشی، مبانی طراحی آموزشی، معلم یاری (عملی)، مبانی رسانه و تربیت، مهارت‌های زندگی و آموزش

منابع

- Aghaei Janatmakan, H. (2006). The need to modify and revise the law curriculum at the undergraduate level. National Conference of Human Sciences, Tehran. <https://civilica.com/doc/100682>. [Persian].
- Altbach, P. G. (1988); Comparative Studies in Higher Education in: Postlethwaite; in (ed.) The Encyclopaedia of Comparative Education and National System of Education, pp. 6-7.
- Azizi, Nematullah. (1385). The state of education and research in universities, a reflection on students' views on the challenges and shortcomings of the humanities and its qualitative development strategies. Abstracts of the National Congress of Humanities, Tehran, Iran.
- Barnett, R & Parry, G & Coate, K (2001). Conceptualizing Curriculum Change. *Teaching in Higher Education*, 6 (4).435-449.
- Beheshti, S. (2006). **A Ground for Rethinking the Philosophy of Education**. Tehran: Viraiesh Publication. [Persian].
- Beheshti, S. (2006). Philosophy of education in today's world. **Quarterly Journal of Ghabsat**, 11 (40), 109-124. [Persian].
- Bridges, D (2000). The Higher Education curriculum 21 set century, Cambridge. *Journal of Education* combridge. 7 (2). 122-145
- Cooper, JH (2005). A training Program Based on the Principles of Social Constructivism and Focused on Developing People for the Future World of Work an Evaluation. submitted in partial fulfilment of the requirement for the degree Magisters Commeric in the Faculty of Economic and Buseiness Sciences at the University of Pretoria.
- Fathi Vajargah, Kouros (2010). Disposable curriculum. **Bi-Quarterly Journal of Higher Education Curriculum Studies**, 1(4), 7-6. [Persian].
- Fathi Vajargah, Kouros, Moosapour, Nematollah, Yadegarzadeh, Gholamreza (2018). **Higher Education Curriculum Planning: An Introduction to Concepts, Perspectives and Patterns**. First Edition. Tehran: Mehraban Publishing Institute. [Persian].
- Ghorbani, Somayeh; Nili, Mohammad Reza; and Delbari, Samira. (2041). A comparative study evaluating the quality of higher education curriculum. **Bi-Quarterly Journal of Higher Education Curriculum Studies**, 5 (9) 90-106. [Persian].
- Hashemi Moghadam, S. (2006). The field of humanities with Emphasis on Educational Sciences in the Higher Education System. Abstracts of the National Congress of Humanities. Tehran. [Persian].
- Higher Council for Educational Planning (2016), general specifications, curriculum and titles of master's degree courses in the history and philosophy of education. Faculty of Education and Psychology. Islamic Azad university. Ministry of Science, Research and Technology. [Persian].
- Higher Council of Educational Planning. (1989). general specifications, curriculum and titles of master's degree courses in the history and philosophy

of education. Humanities Faculty. Ministry of Culture and Higher Education. [Persian].

- Illinois university – college of education (2016). Graduate Programs. Retrieved from: <http://education.illinois.edu/programs/grad/programs-courses?degree=edm-cas-edd&credential=endorsement-certificate>

- Karami, Morteza and Fattahi, Hoda. (2012). Higher education curriculum change: (Undergraduate Master's program in Educational Planning). **Bi-Quarterly Studies in Higher Education Curriculum**. 4 (7). 136-110. [Persian].

- Karimi, Sedigheh, Nasr, Ahmad Reza; Sharif, Mustafa. (2013). Requirements and challenges of designing a higher education curriculum with a learning community approach. **Bi-Quarterly Journal of Higher Education Curriculum Studies**. 4 (8). 126-98. [Persian].

- Kaufman, Roger A. and Jerry John Herman. (2014). Strategic planning in the educational system, translated by Farideh Mashayekh and Abbas Bazargan, Madrasa Publications.

- King's College London (KCL) (2016). department of education & professional studies. Retrieved from: <http://www.kcl.ac.uk/sspp/departments/education/index.aspx>

- Knapper, Ch. and Croply, A. (2000). Lifelong learning in higher education. Kogan Page.

- Kneller, G. F. (1977). Introduction to the philosophy of education. (Faraydon Bazargan Deilmaghani. Tehran: SAMT.

- Lanenburg, F. C. and Ornstein, A. (2004). Educational administration, concepts and practices. Eadswarth Publishing Compaining.

- Lee, J. K. (2004). Globalization and Higher Education: A South Korea Perspective. Online Submission, 4(1).

- Levenburg, M (1995). A Model for effective curriculum development in Operations management the union. Journal of higher education. 4(2), 117-121

- Munoz, Richart, Victoria (1999) Consideration for the development of a higher education Agenda, in: Eric (ED:411-394).

- Planning Council of Ferdowsi University of Mashhad. (2018), general specifications, program and title of doctoral courses in the field of philosophy of education. Faculty of Education and Psychology. Ministry of Science, Research and Technology. [Persian].

- Shabani Varaki, B., & Mohamadi Chaboki, R. (2008). History of Philosophy of Education in Iran. **Quarterly Journal of Education and Training**, 24(4), 17-50. [Persian].

- Shabani Varki, Bakhtiar; Baghvoli, Hossein. (2013). Supporting Studies, Philosophy of Education: PhD Studies. Faculty of Education and Psychology. [Persian].

- Simon Fraser University - Faculty of education (2016). Areas of study. Retrieved form: <http://www.sfu.ca/education.html>.
- Smith, P. J. (1991). **Philosophy of Education**. (Shahid Beheshti, translator). Tehran: Aastan-e-Ghods-e- Razavi. [Persian].
- Stark, Others (1997); Program and Level Curriculum Development Research in Higher Education.
- Supreme Council of the Cultural Revolution (2013). Islamicization document of universities and educational centers. Secretariat of the Supreme Council of the Cultural Revolution. www.sccr.ir. Email: nashr@sccr.ir. [Persian].ir.
- UCLA - department of education (2016). academic programs. Retrieved from: <https://gseis.ucla.edu/education/academic-programs/>
- University college London (2016). Subject areas. Retrieved from: <http://www.ioe.ac.uk/study/104848.html>
- University of Toronto – OISE (2016). Welcome to the Department of Social Justice Education (SJE). Retrieved form: http://www.oise.utoronto.ca/sje/About_SJE/index.html
- Van Der Zee, H. (2006). The learning society. In: From adult education to the learning society. London and New York: Routledge.
- Wang, Jing (1994) Curriculum decision making in Chinese higher education, State University of New York at Albany, <http://www.lib.uni.com/dissertation>,
- Zarghami, Saeed and Bazghandi, Parvin. (2013). Demonstration of study experience in Master of Philosophy of Education at Tarbiat Moallem University. **Higher Education Curriculum Studies Quarterly**, 1 (1). 141-119. [Persian].